

رنگین کمان

تجسم یک نگاه توست!

به وضوح عشق را فراتر از یک کلمه بلکه یک «عطیه الهی» می‌داند.
شعر مهدی شادخواست اصولاً شعری آرام است که ریشه در شخصیت
متین و اندیشمند او دارد. شاعر با کلمات به مهربانی رفتار می‌کند و
واژه‌ها را درست و بجا هزینه می‌کند.
شاعر معمولاً در سروده‌هایش فریاد نمی‌زند:

گاهی با نگاه

گاهی با لبخند

گاهی با سکوت.../

در نهایت عزت نفس عشق را طلب می‌کند.
و گاهی چون:

نه ساحلم

نه دریا

نه طوفانم.../

بغضش به آرامی می‌شکند.

ایهام در اشعار شادخواست جایگاه ویژه‌ای دارد:

از شعرهایم

عکس می‌گیری

یا شعرها را

برعکس می‌کنی؟

شاعر در برخی از سروده‌هایش که دارای نگاهی خلاق و تمثیلی است با الیتراسیون حروف و ایجاد ریتم و نیز صنعت تکرار، موسیقی و ضرباهنگ معناداری به واژه‌هایش می‌دهد:

سنگ تمام گذاشتم،
سنگ خود را به سینه زدی
حالا که می‌خواهی سنگ‌هایت را وابکنی
سنگ روی سنگ بند نیست!

در این مجموعه، تخیل شاعرانه شادخواست در ایجاد فضاهای گوناگون و کشف مسیرهای تازه و بکر که همگی به عشق ختم می‌شوند، قابل توجه است. وی در اکثر سروده‌هایش مخاطبان را در فرایند شکل‌گیری اثرش سهیم می‌دارد و با به تاخیر انداختن معنا سعی دارد آنها را به معانی و تاویل‌های متعددی برساند:

/... نگاه قهوه‌ای‌ات

هم می‌زند

تلخی دیروز را.../

با هم زدن تلخی توسط قهوه تلخ، هم خواننده را به فکر فرو می‌برد و هم رنگ شیرین قهوه‌ای از جنس شکلات را تداعی می‌کند که به نوعی یکی از دیگر از شاخصه‌های شعر مهدی شادخواست که همانا سهل و ممتنع بودن است را نمایان می‌کند.

استفاده مکرر از ضمیر من و متعلقاتش و خلق تصاویر و مضامینی که از من شادخواست سرچشمه می‌گیرد، از دیگر موارد برجسته این

مجموعه زیباست:

/... پرستوها

به باران می نگرند

من به آنها

باران به من... /

یا:

/... خندهات را بفرست

تا من

قلبم را ایمیل کنم /

یا:

/... این چشم ها را

من تر و خشک کرده‌ام /

شعرهای شادخواست پر از کارکردهای زبانی ست که با مضامین گیرا و صور خیال بدیع، چشم‌اندازهای مدرن و البته درخور توجهی پیش روی مخاطب قرار می‌دهد.

/ابروهایت

یاد آور جنگ‌های صلیبی‌اند... /

اغراق در بعضی از سروده‌ها چشم‌نوازی می‌کند:

جاده‌ها را

کوتاه می‌کنم

ماه را

در چشم‌هایم می‌گذارم

تا تو را

نزدیک‌تر ببینم.

مهدی شادخواست به تمام معنا با خواننده‌اش همراه است و با درک حوصله و دغدغه‌های مخاطب امروز بیشتر از آنکه به ستبری کتاب بیندیشد به زیبایی و برجستگی اشعارش فکر می‌کند تا با تأثیرگذاری بر روح و ذهن خواننده، وی را به اوج التذاذ و آرامش برساند. با آرزوی صحت و استمرار توفیق از درگاه ایزد مهربانی‌ها برای این شاعر توانمند و منتقد خوب و فرهیخته کشورمان، در پایان سروده‌ای ناب راز مجموعه «عشق، همیشه دست به نقدست» که به آنیمیسیم ظریف و هنرمندان‌های آراسته است، مرور می‌کنیم:

می نشیند؛

آرام و باوقار

پنجره‌ها

یکدیگر را بغل می‌کنند

و بخار شیشه

باز می‌گرداند شیطنت را

به سر انگشت‌هایم

زمزمه می کند
عطر تو را خانه
در عرض اندام زیبای آینه...

دم کشیدن چای
فرصتی ست
که یکدیگر را
بیشتر دوست بداریم!

* شاعر و منتقد ادبی